



## شب

## شروع صبحی دیگر است

نمایشگاه کتاب تمام شد؛ مثل روزهای دیگر عمر، همه چیز پایان دارد؟ اینطور به نظر می‌رسد که دارد، ولی شاید بشود زندگی را طور دیگری دید. مثلاً اینطور ببین که همه ما دست به دست هم دادیم، یک نمایشگاه ساختیم. حالا هم نمی‌خواهیم دست از دست تو بیرون بکشیم. می‌خواهیم یک حلقه بسازیم؛ یک دایره. می‌خواهیم یک چرخه ناتمام بسازیم. زندگی را ببین! شب، شروع صبحی دیگر است. غروب دلمان می‌گیرد اما دلخوش هستیم به طلوعی دیگر، چون غروب‌ها پایان روز هستند، اما شروع یک طلوع دیگرند. چرخه حیات یعنی این. یعنی اینکه خداوند هر پایانی را نقطه آغاز یک آغاز آفریده است. زندگی شبیه یک دایره نیست؟ اینطور به نظر می‌رسد که هست. برای همین دست از دست تو بیرون نمی‌کشیم. ما یک چرخه خواهیم ساخت که پایانش یک آغاز دیگر باشد. ما به کمک تو ایران را یک نمایشگاه بی‌پایان می‌کنیم. تو مهم‌تر از ما هستی. می‌دانستی؟ تمام این ده روز، تمام این تلاش‌ها، همه بسته به توست. نمایشگاه که تمام می‌شود، در آن را قفل می‌زنند و می‌روند. اما نمایشگاه کتاب تمام نشده است. تازه شروع شده. ما نمایشگاه را ساختیم دادیم به تو. تو آن را به خانه می‌بری، باز می‌کنی و یک نمایشگاه دیگر می‌سازی. کتاب‌هایی را که خواندی، ببند. بگذار نمایشگاه کتاب، همیشگی باشد. به هر کسی که می‌بینی و می‌شناسی از آن کتاب بگو. اینطور تو هم یک چرخه می‌سازی. کاری می‌کنی یکی دیگر برود کتابی را که تو خوانده‌ای بگیرد بخواند و به کسی دیگر معرفی کند و او هم به کسی دیگر معرفی کند و کسی دیگر به کسی دیگر و کسی دیگر به کسی دیگر..... نمایشگاه را مدام کن. کتاب را اینطور ببین. زندگی را از این دریچه نگاه کن. جوری ببین که هیچ چیز پایان‌دار نباشد. انسان زندگی را طوری ببین که ناتمام باشد. انسان را از روزن روح ببین. روح، ادامه ماست. ارواح، ادامه انسان‌ها هستند. و تمام کتاب‌ها، یک کتاب بیشتر نیستند. و یک نفر، یک موجود لایزال، هر روز در حال نوشتن است. هر انسانی که به دنیا می‌آید، نوید خداوند است. او هنوز از آفرینش ما می‌پوش نشده است. خلقت همین است. ما همه کلمات او هستیم؛ واژه‌های کتاب او؛ کتاب «هستی». او کتاب را باز گذاشته است. حنا لحظه‌ای که بمیریم، یقین بدان که نمی‌میریم. ما ادامه می‌یابیم در زندگی‌های جاودان. می‌رویم به آستان خداوند. او کتاب خلقت را نبسته است. هستی، بی‌پایان است. تو هم نبند. باز بگذار. کتاب‌ها باز هستند. بی‌پایانند. بخوان. فکر کن. عمل کن. خودت را عوض کن. من مطمئنم که زیر لایه‌های لطیف بسته سبزه، یک غنچه نهفته است، در انتظار باز شدن. من مطمئنم که زیر لایه‌های دره‌م تنیده ابریشم، یک پروانه نشسته است، در انتظار پرواز کردن. من مطمئنم که پشت لایه‌های مشکی شب، یک خورشید نشسته است، در انتظار طلوع. و مطمئنم که پشت تمام کتاب‌های بسته، دوستی مهربان در انتظار عشق ورزیدن است. از تو هیچ چیز نمی‌خواهد فقط به زبان بی‌زبانی نجوا می‌کند که نبند. باز بگذار. نمایشگاه کتاب را مدام کن، مدام کن....



محمد علی علومی، نویسنده، پژو و هشگر و طنزپرداز:

## کفش کتابخوان‌ها نباید پاره باشد

خواندن لذت می‌برد، چرا که اثر خوب خواندن آدم را به الهام و شوق وامی‌دارد. یک وقت در گریز از ناملایمات به جهان کافکایی یا جهان ساعدی و مارکز پناه می‌برد. همه اینها پناهگاه‌های امنی هستند برای امثال ما که کار فرهنگی می‌کنیم.

■ شما چه طور دنیای کلمات‌تان را می‌سازید؟  
دوران کودکی دوران اثرگذار در سرشت و شاید سرنوشت آدمی است. دنیای کودکی من در طبیعت خشن بم و محیط اجتماعی پر از خشونت و فاصله طبقاتی گذشت که باعث شد خود به خود به تراژدی روی بیآورم و لحن فاخر تراژیک را به کار بگیرم. تراژدی لحن رمانتیک نمی‌طلبد، چرا که آن تضادهای طبیعت و پیرامون، آدم را سمت کلام فاخری که بیانگر تراژدی باشد می‌برد. اما مخاطب امروز نمی‌تواند با این لحن ارتباط بگیرد و درک آن کلام آهنگین و فخیم که مثلاً در شاهنامه نمود بارزی، دارد دشوار است. امروز زبان ساده بیشتر مورد استقبال است ولی علاقه شخصی من همان نوشتن به زبان فخیم است.

■ امسال به نمایشگاه کتاب سر زدید؟ نمایشگاه کتاب را چه طور جایی می‌دانید؟  
برای گرفتن چند نسخه از کتاب جدیدم خیلی کوتاه به نمایشگاه آمدم و زود هم رفتم. ولی در همان مدت با چند نفر صحبت کردم که از گرانی کتاب ناراضی بودند. خب قشر کم‌درآمد بیشتر مخاطب کتاب است و او هم در این شرایط ترجیح می‌دهد کفش‌اش پاره نباشد تا این که کتاب بخرد. ولی فکر می‌کنم وزیر فرهنگ و همراهانش انسان‌های واقع‌بینی هستند.

■ فکر می‌کنید تنها دلیل ناراضی بودن یا به نوعی کمتر به کتاب بها دادن، فقط گرانی آن باشد؟  
موضوع میز می‌هم موضوع مهمی است. به عنوان قطره‌ای از دریای فرهنگ ایران از وزیر می‌خواهم از این فضای مبهم و ناشناخته بکاهد. یک وقت تیراز کتاب در همین کشور با جمعیت سی و پنج میلیون نفر، حدود سی هزار نسخه بود و این عادی به شمار می‌رفت. در زمانی دیگر و در دوره طلایی ادبیات ایران، نویسندگان بیشتر مجال پرداختن به مسائل را داشتند و تیراز کتاب هم بیشتر بود. فکر می‌کنم این شرایط عوامل مختلفی دارد.

■ آیا غم نان مجبور‌تان کرده که به کارهای دوست‌نداشتنی دست بزنید و سفارشی‌نویس شوید؟ اصلاً چه قدر از کارها پتان به خاطر غم نان نوشته شده؟  
خوشبختانه حتی اگر کارم سفارشی بوده، بنا به پیشنهاد و انگیزه خودم بوده است. یعنی تا به حال قلم به مزد نبوده‌ام. مثلاً کار روی طنز قرون گذشته و... را انجام داده‌ام. ضمن این که به شرط آزادی عمل داشتن نویسنده، سفارشی‌نویسی فی‌نفسه منفور نیست. وقتی مضموم می‌شود که هنرمند در سطح ابزار تبلیغات پایین بیاید.

■ امسال چه کار تازه‌ای در نمایشگاه کتاب دارید؟  
کتاب «داستان طنز ایران از مشروطه به بعد» را دارم. همین‌طور اثر نوجوان «گذر از کوه کبود» هم به چاپ دوم رسیده است. اولی را نشر عصر داستان و دومی را کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرده است.

مردی با لهجه کرمانی گوشی را برمی‌دارد و گرم سلام و علیک می‌کند. حسابی به همه دوستان و آشنایان مشترک سلام می‌رساند و واضح و مفصل به پرسش‌هایم جواب می‌دهد. این مرد محمد علی علومی است؛ نویسنده‌ای مهربان و خوش قلم که فضای موجود رسانه‌ای در کشور هنوز نگذاشته او به اندازه‌ای که شایسته است به مخاطبان کتاب معرفی شود. گفت‌وگوی ما با او را بخوانید:

■ ■ ■

■ شما کارهای متنوعی در حوزه کتاب کرده‌اید. از کار پژو و هشی در حوزه اسطوره تا نوشتن طنز. چه نسبتی میان این کارها وجود دارد؟

ادبیات ایران جای کار بسیاری دارد که به برخی‌شان ورود نشده است. یکی از آنها معرفی طنز است. متأسفانه اغلب طنز را همان طنز ژورنالیستی یا نمونه تولیدات تلویزیونی تصور می‌کنند که خب سطح مخاطب را پایین می‌آورد؛ طوری که انواع طنز نزد مخاطب ناشناخته مانده است. از طرف دیگر ایران سرزمین اسطوره هاست، ولی اسطوره در ایران ناشناخته مانده است. علاقه به فرهنگ مردم باعث می‌شود مبانی این حوزه‌ها را بدانم. وقتی کسی مبانی طنز و اسطوره را می‌شناسد خیلی طبیعی است که به جنبه‌های مختلفش ورود کند.

■ با بحران مخاطب و زندگی سخت نویسنده‌گی چه می‌کنید؟ درد مشترک بسیاری از نویسندگان مسائل معیشتی است ولی با این حال چیزی مانع می‌شود از کارشان دست بکشند. شما چه طور؟

فشار اقتصادی در این شرایط خردکننده شده است و کسانی مثل من که درآمد مشخصی جز از راه نوشتن ندارند، آب باریک‌های دارند که آدم را افسرده می‌کند. وقتی مخاطب تحت فشار اقتصادی است و پول ندارد خرج فرهنگ کند، ارتباط مؤلف و مخاطب هم به حداقل می‌رسد، انگیزه کم می‌شود ولی در عین حال برای عده‌ای مثل من خواندن و نوشتن جزو طبیعت اصلی‌شان شده و ما چاره‌ای جز این کار نداریم.

■ نویسنده‌ها همیشه یک طور دیگر به کتاب‌ها و نوشته‌ها نگاه می‌کنند. شما با چه متنی‌هایی سر ذوق می‌آیید؟ بنا به روحیات آدم پاسخ شما فرق می‌کند. یک وقت آدم از چخوف



■ طرح: کامبیز درم‌بخش | اختصاصی «بیست و هفت»

ستون «یاد بعضی نفرات» هر روز به معرفی یکی از بزرگان عرصه فرهنگ می پردازد که امسال، نمایشگاه کتاب رانمی بینند

## محمد گلبن



پنج ساله بود که به واسطه پدر دهقان و اهل مطالعه اش سواد خواندن و نوشتن آموخت و شعله اشتیاق به ادبیات و داستان نویسی در او شعله ور شد. او از همان سنین در دنیای رنگارنگ شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی و گلستان سعدی غوطه ور شد و جهان راز چشم ادبیاتی شکوهمند نظاره کرد. محمد گلبن (رحیمی)، زاده سال ۱۳۱۴، مردی از روستای کهیاد شهر اردستان بود. نویسنده، پژوهشگر، فهرست نگار، محقق و مصححی که از ۱۶ سالگی در مجلات ادبی مختلف قلم می زد و در روزنامه «اقلیم» صفحه ادبیات را اداره می کرد.

دوران دبیرستان را در مدارس جعفری علوی و دارالفنون تهران گذراند و علاقه اش به ادبیات موجب شد که در همان ایام نیز عضو فعال انجمن ادبی حکیم نظامی شود. علاقه زیادی به جمع آوری مطبوعات داشت و توانست گنجینه ای از نخستین کارهای مطبوعات ایران گردآوری کند.

اگر چه طبع شاعری داشت و اشعار زیادی از او در مجلات و نشریات منتشر شد، اما هیچ گاه مجموعه شعری به دست چاپ نسرود. به دلیل علاقه به اشعار محمد تقی ملک الشعراء بهار، نخستین کتاب خود با عنوان «فردوسی نامه بهار» را درباره شعرها و مقاله های این استاد بزرگ ادبیات منتشر کرد. پس از آن هم کتاب «بلندآفتاب خراسان» را به رشته تحریر در آورد که یادنامه ملک الشعراء بهار بود. اما مسیر اصلی تألیفات و تحقیقات محمد گلبن را «فهرست نویسی» شکل می داد. در این عرصه از جمله آثار خواندنی او می توان به «فهرست توصیفی مقالات جشن نامه ها و یادنامه ها از آغاز تاکنون»، «کتاب شناسی صادق هدایت»، «فهرست سی ساله سالنامه دنیا» و تدوین فهرست جشن نامه ها و یادنامه ها در ۴ جلد اشاره کرد.

اهالی فرهنگ، گلبن را کتاب شناسی بزرگ می دانند؛ پژوهشگری که در حوزه های مختلف تاریخ مطبوعات و کتاب شناسی خدمات ارزشمندی انجام داد؛ چرا که ده ها مقاله و اثر تالیفی در زمینه های مختلف ادبی و تاریخی در کارنامه وزین او به ثبت رسیده است.

به جز پژوهش های مستمر و کوشش های فرهنگی ارجمند، لازم است گفته شود که شخصیت گلبن نیز با بزرگ منشی و سخاوت گره خورده بود؛ چنانچه در سال ۱۳۹۰ مجموعه کتاب ها و نشریات خود شامل ۱۲ هزار عنوان کتاب و ۲ هزار مجله را به کتابخانه شماره دو مجلس اهدا کرد که این مجموعه شامل بسیاری از کتاب های نفیس فارسی، عربی و لاتین است.

زنده یاد گلبن علاوه بر ذوق شاعری و قریحه خلاق، حافظه ای قوی داشت و بسیاری از اشعار دیگر شاعران را در مجالس مختلف می خواند. او در علم رجال، به خصوص رجال عرصه فرهنگ نیز توانمند و خبره داشت. این پژوهشگر و کتاب شناس پیشکسوت، زنده یاد گلبن، ۱۲ دی ۱۳۹۱ سسکته مغزی کرد و دقیقاً یک سال پیش در چنین روزی یعنی ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ از دنیا رفت؛ اما در حافظه و خاطره فرهنگ دوستان ایرانی جاودانه شد.

بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، امروز به خط پایان می رسد و همچون دوره های پیشین تبدیل به خاطره ای خوش در ذهن کتابخوانان و کتابدوستان می شود. امروز هم در آخرین روز نمایشگاه، چندین و چند نشست و برنامه در این رویداد بزرگ فرهنگی به انجام می رسد تا بار علمی و پژوهشی این رویداد بزرگ فرهنگی همچنان پررنگ و محفوظ باشد. اما آنچه نمایشگاه را به انتها می رساند، مراسم اختتامیه آن است. این مراسم ساعت ۱۰ امروز شنبه ۲۰ اردیبهشت ماه برپا می شود. در این مراسم علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید عباس صالحی معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس نمایشگاه بیست و هفتم، به همراه مدیران بخش های مختلف نمایشگاه حضور خواهند داشت. در مراسم اختتامیه، غرفه های برتر بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران معرفی خواهند شد و با حضور مسئولان از آنها تقدیر می شود. همچنین از ناشران شایسته تقدیر در سال ۱۳۹۲ قدردانی و تجلیل می شود.



یکی از برنامه های امروز نمایشگاه، نشستی است با عنوان «رمز و رازهای قصه گوئی برای کودکان». در این نشست که از ساعت ۱۱:۳۰ در سرای اهل قلم کودک و نوجوان آغاز می شود، ناهید مهدوی اصل و اسدالله شعبانی با حضاران سخن می گویند.



امروز در سرای اهل قلم کودک و نوجوان دو برنامه دیگر هم برگزار می شود؛ یکی نشستی است با عنوان «گفت و گوی تصویرگران ایران و آلمان» که از ساعت ۱۴ تا ۱۵ برگزار می شود. نشست بعدی هم بزرگداشت سپیده خلیلی، نویسنده و مترجم پیشکسوت کودک و نوجوان است که به حق در این عرصه اثرات و خدمات فراوانی از خود به یادگار گذاشته است. ضمن آنکه در عرصه نشریات کودک و نوجوان هم ید طولایی دارد.



بخش «کتاب و رسانه» سرای اهل قلم هم امروز با یک نشست اعلام حضور کرده است. این برنامه «واژه سازی در ترجمه» نام دارد و سخنرانش عباس مهرپویاست. وی از ساعت ۱۰ تا ۱۲:۳۰ درباره این موضوع به ایراد سخنان خود می پردازد. مهرپویا مترجم و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان است.



رونمایی از دوره ده جلدی «عیقات الانوار» یکی دیگر از برنامه هایی است که در آخرین روز از نمایشگاه کتاب انجام می شود. برای این مراسم دکتر محسن احتشامی نیا، حجت الاسلام دکتر محدثی سبحانی و دکتر عبدالحسین طالعی از ساعت ۱۰ تا ۱۱:۱۵ در سرای اهل قلم حضور می یابند.



«نشر الکترونیک و آینده مجلات» عنوان نشست دیگری است که امروز در سرای اهل قلم برگزار می شود. دکتر محمد حسن زاده، دکتر فریبرز خسروی و دکتر پیام کبیری سخنرانان این برنامه هستند. جلسه «نشر الکترونیک و آینده مجلات» از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۴۵ شکل می گیرد.



عنوان آخرین برنامه سرای اهل قلم در آخرین روز نمایشگاه، «از قونیه تا بشرویه» نام دارد. این نشست را هیات امنای آثار استاد بدیع الزمان فروزانفر از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۴:۴۵ برگزار می کند. زنده یاد فروزانفر استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی و ادیب سرشناس معاصر است که در زمینه مولوی پژوهی آثاری ماندگار از خود به یادگار گذاشته است.



امروز در سرای اهل قلم کودک و نوجوان یک نشست دیگر هم تشکیل می شود. «تاثیر گذاری و جریان سازی جشنواره های کتاب کودک در ایران» عنوان این نشست است. محمدرضا توکل صدیق و جواد محقق در این نشست حضور دارند. «تاثیر گذاری و جریان سازی جشنواره های کتاب کودک در ایران» طی ساعات ۱۷ تا ۱۸:۳۰ برگزار می شود.



در آخرین روز برپایی نمایشگاه کتاب، کمیسیون حقوقی اتحادیه ناشران و کتاب فروشان نشستی را با عنوان «نقد و بررسی ضوابط نشر مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی» برگزار می کند. این نشست از ساعت ۱۵ در سالن اصلی سرای اهل قلم شروع می شود.



## بیست و هفت

نشریه اطلاع رسانی بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

- **زیر نظر:** کمیته روابط عمومی و اطلاع رسانی
- **سر دبیر:** محسن فرجی
- **تحریریه:** آرزو شهبازی، یاسر نوروزی، ساره گودرزی، حسام مطهری
- **امور هنری:** محمد مهدی اشرف سمنانی